



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۶/۰۷

سید عظیم حسینی

## درنگی بر مشکلات تجارت خارجی افغانستان از منظر تاریخی

### قسمت هفتم

محمد داؤد صدراعظم اسبق با انجام کودتا در سرطان ۱۳۵۲ محمد ظاهر شاه پسر کاکای خود را از قدرت خلع و خود را نخستین رئیس جمهور افغانستان اعلام کرد. محمد داؤد که شخص وطن دوست و ترقی خواه بود، انکشاف و توسعه اقتصادی کشور را که برایش اهمیت ویژه داشت از طریق تداوم و تعمیق همان نظام اقتصادی رهبری شده و مختلطی که خود در زمان زمامداری خویش به حیث صدراعظم، بنیان گذاشته بود، میدید، زیرا با تجربه غنی ده ساله دوره صدارت و تطبیق پلان های انکشافی اول و دوم که تحت نظر خودش تدوین و عمدتاً جامه عمل پوشیده بود به اریکه قدرت مطلقه باز میگشت. گرچه همین نظام در دهه دموکراسی با تغییرات چند و نرمش در مقابل سکتور خصوصی کماکان تعقیب شد، حالا که محمد داؤد همه صلاحیتها را بدون قید و شرط در ید قدرت داشت، خواست تا در تحکیم و تعمیق سیستم اقتصاد مختلط و رهبری شده اقدامات هدفمند و وسیع را انجام دهد. وی قدرت را زمانی تصاحب نمود که وضع اجتماعی و اقتصادی کشور طوریکه قبلاً اشاره شد از ثبات لازم برخوردار نبود و پس از رویکار آمدن به حیث نخستین رئیس جمهور افغانستان، در خط مشی خویش پیرامون صنایع داخلی و تجارت چنین وعده سپرد:

"دولت جمهوری حمایت از صنایع ملی، صنایع دستی و هنر های ملی را وظیفه خود میشمارد و سیاست حمایتی را از صنایع و تجارت داخلی در برابر رقابت اموال و سرمایه

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

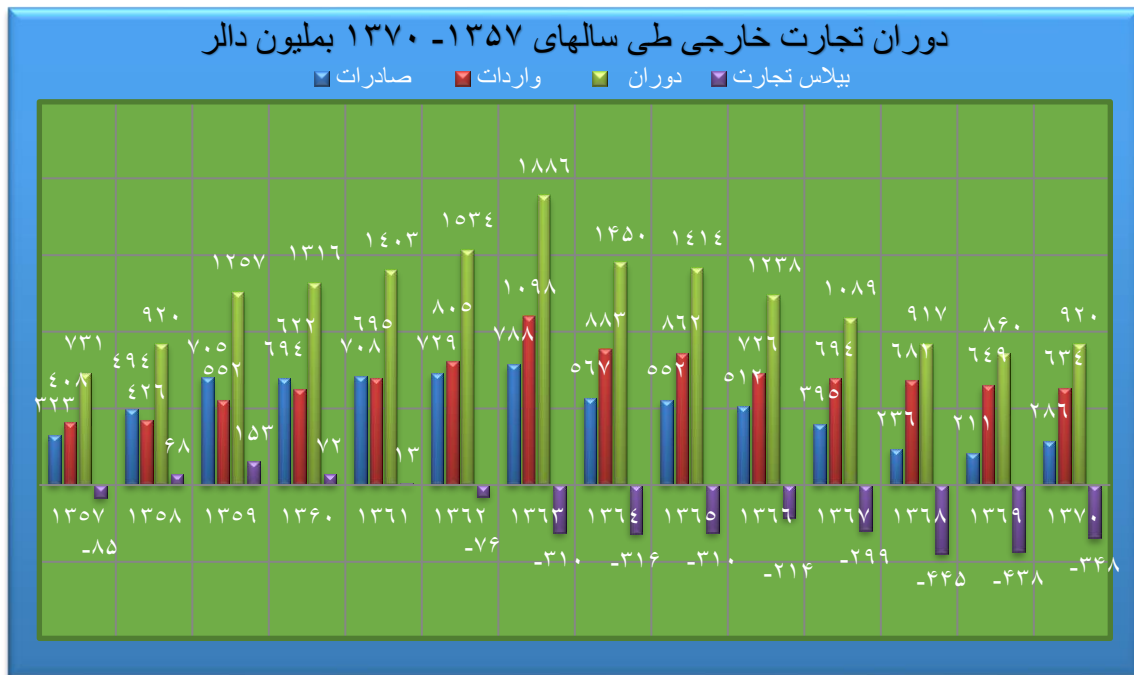
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

های خارجی در پیش خواهد گرفت. دولت جمهوری تجارت خارجی کشور را با اساس یک تجارت رهنمائی شده بروی منافع ملی رهبری خواهد کرد." درین خط مشی پر از ابهام، محمد داؤد رئیس جمهور از حمایت صنایع ملی صحبت بعمل آورد اما تجارت را بار دیگر رهنمائی شده خواند، اینکه در میدان عمل درین دوره تا چه اندازه زمینۀ ایجاد تسهیلات، زیر بناهای حقوقی و تخنیکی و حمایت از صنایع ملی هموار و میسر شد، چندان وضاحت ندارد. زیرا نرمش های که مطابق خط مشی حکومت دوره دموکراسی باسکتور خصوصی به میان آمده و سرمایه گذاری خصوصی تا اندازه در صنایع خفیفه جان تازه یافته بود، با کودتای سرطان ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) و اعلام خط مشی رئیس جمهور، به چالش جدید مواجه گشت و سکتور خصوصی (به گفته ضرب المثل "مارگزیده از ریسمان دراز میترسد") برای بار دوم متحمل ناباوری بیشتر گردید. موجودیت محدودیتهای نامرئی در برابر فعالیت سکتور خصوصی و تجارت تحت کنترل دولت از یکطرف و فقدان مسئولیت مالی و سرمایه گذاری از سوی دیگر، موانعی در برابر جلب و جذب سرمایه گذاری ها، انکشاف صنایع و توسعه هدفمند تجارت و صنعت به همکاری سکتور خصوصی را بوجود آورد. در حالیکه ایجاد زیر بنای حمل و نقل و مواصلات، تولید برق و استخراج گاز طبیعی طی دهه دموکراسی و همچنان در دوره قبلی ده ساله رهبری رئیس جمهور در اقتصاد کشور، نقش مثبتی را در رشد اقتصادی سالهای بعدی ایفا میکرد، بر اساس تصمیم دولت از پلان پنجساله چهارم که در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) تصویب شده بود صرف نظر شد و به عوض آن پلان های یک ساله ترتیب گردید تا اینکه دولت موفق شد طی دوسال در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) پلان هفت ساله اقتصادی جمهوری افغانستان را برای سال های ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) الی ۱۳۶۲ (۱۹۸۳) رسماً اعلان نماید. بودجه پیشبینی شده در پلان هفت ساله بالغ بر ۲۰۷ میلیارد افغانی معادل ۶.۴ میلیارد دالر میگردید که قسمت افغانی آن از منابع داخلی و بخش اسعاری آن از کمک های خارجی مد نظر بود. قسمت اسعاری یا کمک های خارجی این پلان هم مانند سایر پلان ها بر تعهد و کمکهای خارجی استوار بود. دونران و کمک کنندگان بعد از ایران و شوروی، کشورهای عربستان سعودی، عراق، کویت، و موسسات بین المللی چون

بانک جهانی، بانک آسیائی و سایر موسسات مالی بین المللی مساعد تشخیص گردیده بودند. درین پلان از پروژه هائیکه درخشش خاص داشت و یکی از آرزوهای دیرینه مردم افغانستان و جامعه بازرگانی و تشبثی افغانستان تلقی میشد احداث و تمدید خط آهن به طول ۱۸۱۰ کیلو متر در کشور بود. در پلان احداث خط آهن اسلام قلعه، هرات، کابل، قندهار، چمن مطرح شده بود. بر علاوه در نظر بود یک سرک از لشکرگاه به سرحد ایران احداث گردد. پس از آن توجه بالای ایجاد یکتعداد فابریکات مواد مصرفی مانند نساجی، قند سازی، سمند، سکتور برق، نفت و ذغال تمرکز داشت. از جنبه های تطبیقی پلان متذکره معلوم بود که این پلان در ظاهر امر یک پلان نهایت مفید برای یک جهش فوق العاده اقتصاد افغانستان بود. فرهنگ، میرمحمد صدیق - افغانستان در پنج قرن اخیر جلد دوم از جانب دیگر به ثمر رسیدن بعضی از پروژه ها و دست آوردهای اقتصادی در سکتور دولتی، زمینه ادامه عمل محدودیت ها در مقابل گروپ بانک ملی را مساعد تر ساخت تا حدی که بر اساس تصمیم دولت، بانک ملی افغان در سال ۱۳۵۵ توسط دولت کاملاً ملی اعلان شد و ۴۴/۸ در صد قیمت سهام خریداری شده توسط بانک ملی تادیه شد و ۵۵/۲ در صد سهام باقیمانده در حسابات امانات گذاشته شد تا برای سهامداران قبلی بانک ملی تادیه گردد، بدین ترتیب اولین بانک خصوصی افغانستان از لحاظ مالکیت خصوصی، محکوم به زوال و در قالب بانک دولتی تناسخ کرد و بزرگترین مرکز مالی و کریدتی سکتور خصوصی به مثابه نخستین بنیاد فعالیت های سازمان یافته این سکتور که توسط عبدالمجید زابلی بنیان گذاشته شده بود از هم پاشید. عواملی که میتوانست در ملی ساختن بانک ملی، یگانه بانک خصوصی در کشور تاثیر گذار باشد، ممکن است در قدم نخست کدورت های شخصی، با یکعده از اربابان سرمایه که در راس آن عبدالمجید زابلی قرار داشت، و ثانیاً مهار کردن آخرین هسته مرکزی گروپ "شرکت سهامی افغان" و جلوگیری از فعال شدن مجدد آن بوده باشد. این اقدام غیرمنتظره ضربه محکمی بر پیکر نیمه لرزان سکتور خصوصی آن زمان افغانستان بشمار میرود. در نتیجه این عمل روحیه سرمایه گذاران تضعیف و جرئت آنها سلب گردیده و روند سرمایه گذاری های داخلی و خارجی به مشکل مواجه شد و حتی کسانی که علاقمند سرمایه گذاری

بودند، اجباراً خود را مصروف کار های خورد و کوچک نمودند که تاثیرات منفی عمیق و گسترده را در اقتصاد کشور ببار آورد. بدین ترتیب اقدامات خصمانه علیه سکتور خصوصی افغانستان نه تنها زمینه های رشد و رونق فعالیت های سکتور خصوصی مسدود گردید، بلکه در عین حال دریچه انکشاف اقتصادی کشور ازین طریق بسته شد. برای اولین بار پارک صنعتی در افغانستان در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) به کمک کشور هندوستان در منطقه پلچرخ شهر کابل اساس گذاشته شد. بعداً پارک صنعتی بگرامی در کابل و یک پارک صنعتی در ولایت هرات که از جمله پارک های معیاری شمرده می شد تاسیس گردید. طوریکه قبلاً اشاره شد، کارخانه کود و برق مزار شریف نخستین کارخانه تولیدی در کشور بود که در سال ۱۳۵۳ هجری شمسی مطابق (۱۹۷۴ میلادی) به کمک مالی شوروی وقت تکمیل شد. در آن زمان بیش از دو هزار کارگر در بخش های گوناگون این فابریکه مشغول کار بودند. این فابریکه در دو بخش جداگانه فعالیت میکرد، یک بخش فابریکه تولید کود کیمیاوی بود که تولیدات سالانه آن به بیش از ۱۰۰ هزار تن کود کیمیاوی می رسید. قسمت دوم آن فابریکه تولید برق حرارتی با داشتن چهار توربین با قدرت تولیدی ۴۸ میگوات برق در بیست و چهار ساعت بود. تولیدات این فابریکه از سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) به بعد در رشد اقتصاد ملی سهم ارزنده داشت. در عین زمان صدور گاز طبیعی به اتحاد شوروی تغییر بزرگی را در راستای ارتقای منابع و چشمه های صادراتی بوجود آورده بهبود سطح بازرگانی افغانستان و توازن بیلانس تجارت را تضمین نمود. از پلان هفت ساله ریاست جمهوری محمد داؤد کمی بیشتر از دو سال سپری شده بود که با کودتای نوبتی دیگر دولت جدید قدرت را بدست گرفت و تطبیق آن به چالش مواجه شد. با استقرار دولت جدید، اتحاد شوروی با عقد پیمان همکاری های اقتصادی، کمک جدید را به افغانستان جهت احداث سی پروژه انکشافی تعهد سپرد. خصوصاً سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز از دیاد یافت. سطح صادرات گاز طبیعی کشور در سال به ۷۰ میلیارد فوت مکعب که قلم مهم تجارت صادراتی افغانستان را تشکیل میداد، رسید. گرچه در بدو مرحله تاجران و متشبهین با مشکلات عدیده مانند حبس، قتل و فرار از کشور مواجه شدند، اما در سالهای بعدی از

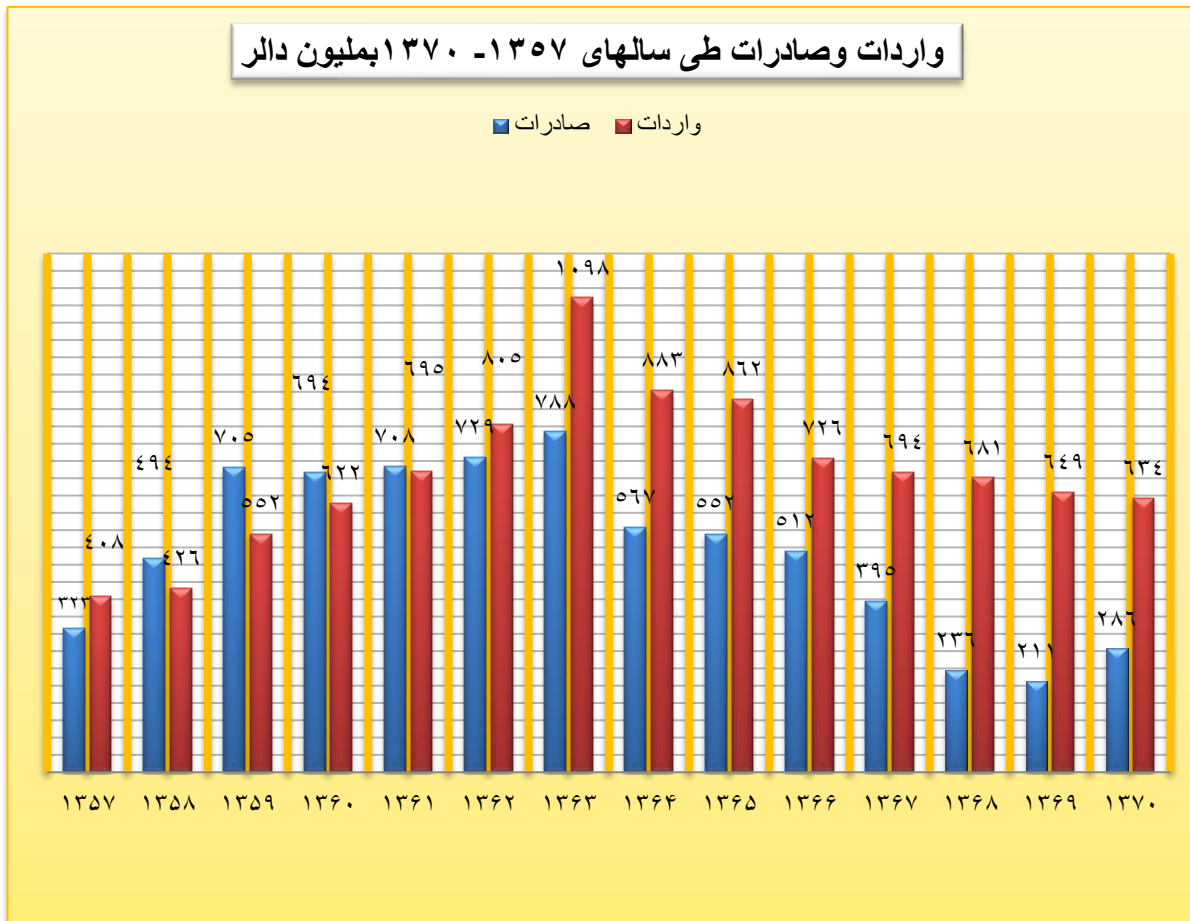
آزادی عمل کامل برای صادرات و واردات به تمام کشور های جهان برخوردار بودند. علیرغم مشکلات امنیتی و نا آرامی ها داخلی، در نتیجه تطبیق پروژه های قبلی و طرح و تطبیق پلان جدید انکشافی، دوران تجارت خارجی درین دوره به اوج خود رسیده و واردات دالر گزیدید. تجارت خارجی افغانستان بین سالهای ۱۳۵۷-۱۳۷۰ دستخوش تحولات گسترده شده و از سال ۱۳۵۷ الی سال ۱۳۶۳ وضعیت ارتقائی داشت چنانچه دوران تجارت که در سال ۱۳۵۷ به ۷۳۱ میلیون دالر میرسید در سال ۱۳۶۳ به مبلغ ۱۸۸۶ میلیون دالر افزایش یافت و در نتیجه در ارزش و مقدار صادرات و واردات تغییرات بی پیشینه رونما گردید. صادرات در سال ۱۳۵۷ که نخستین سال این دوره میباشد به ۳۲۳ میلیون دالر میرسید و واردات در همین سال بالغ بر ۴۰۸ میلیون دالر میشد.



درگراف فوق روند رشد و سیر نزولی تجارت خارجی افغانستان بین سالهای ۱۳۵۷ الی ۱۳۷۰ ارائه گردیده است.

طوریکه گفته شد صادرات و واردات در نیمه اول این دوره یعنی از سال ۱۳۵۷ الی ۱۳۶۳ میلان صعودی و مستمر داشت، چنانچه صادرات از ۳۲۳ میلیون دالر در سال ۱۳۵۷ به ۷۸۸ میلیون دالر در سال ۱۳۶۳ ازدیاد یافته و همین طور واردات از ۴۰۸ میلیون دالر به ۱۰۹۸ میلیون دالر صعود نمود. مزیت دوران تجارت در این دوره در آن است

که صادرات و واردات به موازات هم در حال رشد بوده است. اما دوران تجارت از سال ۱۳۶۴ الی ۱۳۷۰ بنابر عوامل نارامی و بی امنیتی در راه های کشور به شکل تدریجی دچار آشفتگی گردیده و سیر نزولی پیدا نمود که در نهایت دوران تجارت از ۱۸۸۶ میلیون دالر در سال ۱۳۶۳ به ۹۲۰ میلیون دالر در سال ۱۳۷۰ سقوط کرد.



منبع: اداره احصائیه مرکزی

طوری که بملاحظه میرسد آهنگ رشد صادرات در سال ۱۳۶۳ به تناسب سال ۱۳۵۷ حدود ۲۴۳ فیصد و از واردات ۲۶۹ فیصد بوده است. درین دوره، سال ۱۳۵۹ و ۱۳۶۳ هر کدام سال استثنائی بود زیرا در سال ۱۳۵۹ دوران تجارت از مرز رقم ملیون دالر فراتر رفته و داخل رقم ملیارد دالری گردیده و در سال ۱۳۶۳ برای اولین بار دوران تجارت خارجی افغانستان با داشتن رقم ۱۸۸۶ ملیون دالر که سهم صادرات در آن به ۷۸۸ ملیون دالر بالغ میگردد، بلند ترین رقم دوران تجارت را درین دوره تشکیل میداد. اهمیت ویژه دوران

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ

تجارت درین سال در آنست که افغانستان توانسته است برای نخستین بار به مبلغ ۷۸۸ ملیون دالر صادرات داشته باشد. این رقم چه در مقایسه با گذشته و چه در مقایسه با سالهای بعدی الی سال (۱۳۹۶ که صادرات به مبلغ ۸۷۵ ملیون دالر رسیده) یک رقم ریکارد محسوب میگردد و بلندترین سطح صادرات راطی بیش از سی سال از لحاظ تاریخی بخود اختصاص داده است. طوریکه قبلاً اشاره شد با تأسف ارقام نشان دهنده آنست که روند تجارت خارجی افغانستان از سال ۱۳۶۴ در هر دو بخش صادرات و واردات نه تنها از رشد باز مانده بلکه در جهت نزولی سیر نموده است. عوامل عمده این کاهش تدریجی را میتوان در ضعف ثبات سیاسی، آغاز نا آرامی ها و خراب شدن وضع امنیتی درکشور، بندش راه های اکمالاتی و ترانسپورتی، کاهش استخراج گاز طبیعی و در نهایت قطع صادرات آن به اتحادشوروی، مختل شدن نظم زراعت و باغداری و تضعیف این سکتور، مکدر شدن هرچه بیشتر روابط سیاسی و دیپلوماتیک باکشور های غربی و پاکستان و تشدید مزاحمت های هویدا و پنهان و یکجانبه پاکستان بر تجارت و ترانزیت افغانستان، فرار تعدادی از تاجران بنا بر خراب شدن وضع امنیتی از کشور جستجو کرد. طوریکه از گراف فوق معلوم میشود، سرعت کاهش صادرات نسبت به واردات بیشتر بوده است که بدبختانه بستر سبقت گرفتن واردات بر صادرات از همین سال به بعد هموار و تفاوت بین صادرات و واردات بیشتر گردیده و کسر بیلانس رو به تزیاید گذاشته است. باقیدارد